

خاک، آب، آتش و باد: عناصری که از دیرباز نزد آدمیان مقدس بوده‌اند. روزگاری هر کدام خدایانی داشته‌اند... و فلسفه‌ای! از میان آنان، خاک، سرنوشتی جاودانه‌تر یافت و در نهایت به سرشت اصلی انسان باور شد. انسانی که از خاک بر می‌آمد و در خاک می‌شد.

اما این خاک مقدس در طول تاریخ ابزاری بوده است در دست سلف خود، انسان. زمانی که خاک با آب آمیخته و شکل داده شد، ظرفی بود برای انسان و برای انجام هر کاری، از ظرف غذا تا تابوت... و خدایی هم برای پرستش! خشت و آجر هم در پی آن؛ و این سلف بناهایی ساخت از جنس خود، که مأمنی باشد برای زندگی‌ش.

اما این سلف همانجا نماند. چرخ سفالگری ابداع شد، که قرن‌ها و قرن‌ها است ظروف زیبایی می‌سازد از خاک. دست توانای انسان سلف خود را باز می‌آفریند. تزئینات همواره بر این خاک خود ساخته جایگاهی خاص داشت؛ این فکر خاکی تا آنجا رفت که لعاب و پخت بعدی نیز مزین آن شد... و خاک چینی هم... و بعدها کاشی و سرامیک. قرن‌ها و قرن‌ها بعد فلزات و نفت‌آلات در کنار آن قرار گرفتند و این خاک مقدس بتدریج از زندگی روزمره انسانی خارج و تزئینی شد.

این روز و روزگار، هنرمندان‌اند که بیشتر به آن می‌پردازند، و آن هم به عنوان هنر اسلاف خود و برای نوآوری در صنعتی منسوخ. دیگر پیشرفت چندانی در شیوه تولیدات اسلاف پیدا نشد. ابزار همان ماند. اندکی ماشینی‌شد. این همان فکر سلف خاکی است که در ابداع کارهای جدید عمل می‌کند و ایضاً خوب هم عمل می‌کند، و نامش را گذاشتند: صنایع دستی!

رس را برمی‌دارند. با آب در هم می‌آمیزند. ورز می‌دهند. در آفتاب می‌ماند تا رطوبت آن کمتر شود. به چرخ در می‌افکنند. با دست می‌سازند. شکل می‌دهند. قدری که خشک شود، در کوره‌اش می‌گذارند. در کوره را گل می‌گیرند، که هوا نخورد. آتشی بر هیزم و یا امروزه گازوئیل. شاید یک روز، دو روز یا سه روز بعد گل در را می‌گشایند تا بتدریج سرد شود. بعد در حیاط کارگاه و مغازه صنایع دستی! سلف خاک، خاک را باز می‌آفریند: سفال.

هنوز هم کارگاه‌های سفالگری، در بنایی خشتی، قدیمی و تاریک، زیر تاق‌های قوسی، فضایی را برای کار انگشت شماری سفالگر آفریننده فراهم می‌آورند: یک دو چرخ سفالگری و کوره‌ای در پشت. در میان فضایی است جهت آماده کردن گل. کوره‌ها بزرگند، بزرگتر از دل انسان و تعداد زیادی سفال را نه برای 9 ماه، که برای چند روزی پذیرایند. جای حرکت تنگ است، و روش کار همان روش سنتی اعصار پیش.

روشنایی کارگاه‌های سنتی با استفاده از انواع نور تامین می‌شود. هرچه در دسترس باشد، یا همه چیز با هم: فلورسنت برای مصرف کم و نور زیاد مناسب برای کار + نور زرد هم که همه‌جا هست. نوری که مجموعاً برای عکاسی مناسب و کافی نیست. حتی در روز. اگر هم پنجره‌ای باشد، کوچک است. استفاده از حداقل یک شاخه پروژکتور 800 وات سیار ضروری است. در عکاسی دیجیتال حتماً وایت بالانس دستی تنظیم می‌شود. (Custom White Balance)